

# سیری در فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

۱۶۶-۱۵۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

چکیده: کتاب فتوحات مکیه اثر ابن عربی، مجموعه‌ای از مکاشفات و فتوحاتی است که در شهر مکه، در حین طواف کعبه، به نویسنده اثر دست داده است. عثمان یحیی از جمله افرادی است که به تصحیح کتاب مذکور اهتمام ورزیده است. از کارهای مهمی که عثمان یحیی صورت داده، فقره‌بندی متن کتاب به شیوه متون کلاسیک است. دیگر تهیه فهرس دقیق فنی که یافتن مطالب مشابه و مربوط را آسان می‌سازد. نویسنده در نوشتار پیش رو، می‌کوشد گزیده‌هایی از ده مجلد فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی را ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: فتوحات مکیه، ابن عربی، عثمان یحیی، تصحیح کتاب.

## A Review of the Book “Futūḥāt Makkiyah”

edited by Othman Yahya

Alireza Zakavati Qaraguzlu

**Abstract:** The book “Futūḥāt Makkiyah” by Ibn ‘Arabī is a collection of revelations and perceptions that were given to the author in the city of Mecca, during the circumambulation of the Kaaba. Osman Yahya is one of the editors of this book. One of the important jobs done by Osman Yahya in his edition is the paragraphing of the text of the book in the style of classical texts. Another is to provide accurate technical indexes that make it easy to find similar and relevant content. In the following article, the author tries to present excerpts from ten volumes of the “Futūḥāt Makkiyah”, edited by Uthman Yahya.

**Keyword:** Futūḥāt Makkiyah, Ibn Arabī, Uthman Yahya, book correction.

جولة في كتاب (الفتوحات المكيّة) تصحيح عثمان يحيى  
علي رضا ذكاوتي قراگوزلو

الخلاصة: كتاب (الفتوحات المكيّة) هو أحد الآثار التي خلفها ابن عربي، ويتضمّن مجموعة من المكاشفات والفتوح التي حصلت للمؤلف في مدينة مكّة أثناء طوافه حول الكعبة. وعثمان يحيى هو أحد الأشخاص الذين أقدموا على تصحيح الكتاب المذكور.

ومن الأعمال المهمّة التي قام بها عثمان يحيى في تصحيحه هذا، هو قيامه بتقطيع نصّ الكتاب والفصل بين فقراته بأسلوب النصوص الكلاسيكيّة. والعمل الآخر الذي قام به هو إعداده للفهارس الفتيّة الدقيقة التي تسهّل على القارئ الوصول إلى المطالب المشابهة وذات الصلة.

والمقال الحالي يسعى كاتبه إلى تقديم نماذج من المجلّدات العشرة لكتاب (الفتوحات المكيّة) الذي قام بتصحيحه عثمان يحيى. المفردات الأساسيّة: الفتوحات المكيّة، ابن عربي، عثمان يحيى، تصحيح الكتاب.

در سال ۱۳۵۴ که مشغول ترجمه الفکر الشیعی و النزعات الصوفیه بودم که با عنوان تشیع و تصوف از چاپ بیرون آمد، (امیرکبیر ۱۳۵۹) به مناسبتی در حاشیه ص ۱۲۱ چنین نوشته‌ام:

ابن عربی ... از پرکارترین متصوفه و کتاب حجیمش فتوحات مکیه مجموعه‌ای شگفت‌انگیز از نظرات صوفیانه - فلسفی و سرشار از تأویل‌ها و تطبیق‌هاست. همچنین است فصوص الحکم او که چند شرح بر آن نوشته‌اند. از دعاوی وی خاتمیت اولیاست و خود را به تلویح از پیغمبر اسلام برتر می‌دانسته، ولی معلوم نیست که از این همه چه می‌خواسته. باری تأثیر مستقیم و غیرمستقیم وی در تصوف بسیار وسیع بوده است.

هنوز هم بعد از چهل و اندی سال نظرم راجع به ابن عربی همین است.

نخستین قسمتی که از فتوحات مکیه دیدم، یک نسخه خطی ناقص شامل مقدمه تا حدود بیست فصل از اوایل کتاب بود که جزء کتاب‌های خطی متعلق به مرحوم حاج محمدجعفر کبوترآهنگی ملقب به مجذوب در کتابخانه غرب همدان بود. سپس فتوحات چاپی قدیم را دیدم و تورق کردم. در سال ۱۳۶۲ یا ۱۳۶۳ بود که در ملاقاتی با جناب آقای دکتر پورجوادی ایشان از چاپ منقح و علمی فتوحات توسط عثمان یحیی صحبت کردند. در همان سال ضمن چندین کتاب دیگر دوره فتوحات را که تا آن موقع ده جلد چاپ شده بود، از مصر درخواست کردم. به راستی عثمان یحیی بهترین کاری که ممکن است یک محقق در تصحیح یک کتاب عظیم انجام داده باشد، عاشقانه و عالمانه انجام داده است. بعدها در سی دی عرفان اسلامی «نور» متوجه شدم که عثمان یحیی فقط حدود نیمی از کل کتاب، یعنی فقط چهارده مجلد را موفق شده است تصحیح کند. به هر حال آنچه در این گفتار خواهید خواند، گزیده‌هایی است از ده مجلد فتوحات تصحیح عثمان یحیی که اکنون در دسترس دارم. جالب است با این حجم کلان که فتوحات مکیه دارد، ابن عربی خود آن کتاب را به ایجاز و اختصار توصیف می‌کند! «کان القصد بهذا الكتاب الايجاز».

البته همچنان که عثمان یحیی در مقدمه جلد اول فتوحات چاپ خودش بیان کرده، فتوحات دو تحریر دارد، یکی تحریر مکی که در سال ۵۹۹ ق شروع و در سال ۶۲۹ ق تمام شد. دیگری تحریر دمشق که در سال ۶۳۲ ق شروع و در سال ۶۳۶ ق پایان یافته است. البته در تحریر اخیر مطالبی هست که در تحریر نخست نبوده است و بعضی مطالب تحریر نخست را هم در تحریر دوم حذف کرده است. یکی از سه نسخه مورد اعتماد مصحح به خط خود ابن عربی است که همان تحریر دوم کتاب است و در نسخه دیگری به خط پیروان اوست که طبق تحریر اول کتاب است.

از کارهای مهمی که عثمان یحیی انجام داده، فقره‌بندی متن کتاب به شیوه متون کلاسیک است. دیگری تهیه فهرس دقیق فنی که یافتن مطالب مشابه و مربوط را آن قدر که ممکن است آسان می‌کند.

اکنون چند نکته مهم درباره تألیفات و معلومات ابن عربی:

با آنکه ابن عربی عربی تبار و دانشمند و ادیب بزرگی هم است، گاه عمداً برای جانداختن یک مطلب، به توجیحات و اشتقاقات غریب متوسل می‌شود؛ چنان‌که یهود را مشتق از هدایت و نصارا را مشتق از نصر فرض کرده است.

ابن عربی می‌گوید: اندیشه‌های من میزان دیگری جز خودش نمی‌خواهد؛ زیرا این از علوم تلقی و تدلی است؛ یعنی شاخه میوه‌ای از آسمان آویزان شد. من آن را دیده و چیده‌ام. (۳ / ف ۶۵)

می‌گوید: یکی از فقها در جوانی وقتی مرا می‌دید که بدون طلب و نظم و قرائت، فتوحاتی برایم حاصل شده است، می‌گفت: خدا را شکر کسی را دیدم که خدا از جانب خودش به او علم عطا کرده است. (۵ / ۱۰۵)

درباره تألیفاتش به خصوص فتوحات می‌گوید: مثل دیگران روی طرح پیشین نیست، بلکه فقیرالذهن به درگاه می‌رویم تا چه بیاید و چه بنویسیم (۱/ ۲۶۵) و نیز می‌گوید: «درسی نخوانده‌ام». البته با این عمومیت و اطلاقی که او گفته قابل قبول نیست و جای جای نشانه درس خواندگی و مطالعات مداوم در آثار او پیداست. گذشته از ملاقات بی‌شماری که با اهل علم طی مسافرت‌هایش داشته است، اگر چیزی در آثار او نیاموختنی باشد، همان عجایب و غرایب گاه مضحکی است که به عنوان کشف و کرامات دعوی می‌کند. از این‌ها نمونه‌هایی طی مقاله آورده‌ایم.

### نکات گزیده از جلد اول فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- تمام علما عوام را به مسلمانی و صحت عقاید به طور کلی قبول دارند، اما عوام هیچ یک کلام بلد نیستند و بر حسب فطرت صحیح می‌اندیشند و از ظاهر قرآن به راه تأویل هم نمی‌روند. (۱ / ۱۵۰)

- «فی ساعة المحنة تكثر النبؤات»: در روزگار محنت پیش‌گویی‌ها زیاد می‌شود. (۱ / ۳۲)

- یک عالم اسرائیلی<sup>۱</sup> به ابن عربی گفت: شما اهل توحید نیستید؛ زیرا کتابتان با حرف «ب» شروع می‌شود. ابن عربی گفت: شما نیز کتابتان با «ب» شروع می‌شود. (۱ / ۳۵۶)

- در عرصه وجود، طاعة و عصیان، رنج و خسران، برده و آزاد، گرما و سرما، زندگی و مرگ، دستیابی و از دست دادن، شب و روز، صحت و مرض، غم و شادی، تاریکی و روشنایی، روح و شبح، تجزیه و ترکیب، کم و زیاد، صبح و شام، سیاه و سفید، خوابی و بیداری، درون و بیرون، جنبنده و آرام و پوست و مغزی وجود ندارد، مگر اینکه مراد حق تعالی بوده است. (۱ / ۱۶۷)

۱. این جانب احتمال می‌دهم مباحث مفصل حروفی ابن عربی متأثر از کابالیست‌های یهودی باشد که در اندلس و شامات فراوان بوده‌اند و فخره بالا نوع مباحثات آنها را نشان می‌دهد.

- «ارض حقیقت» از بقیه خمیره آدم خلق شد. (۱/ ۷۶)

- عدم تأثیر اسماء محال است، وگرنه تعطیل در الوهیت می شود. (۱/ ۱۹۲)

### نکات گزیده از جلد دوم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- در طریقه ما تمام مذاهب جمع شده و خلاف صحیح نیست. (۲/ ف ۲۴)

- پیغمبر، عثمان را به خواب من فرستاد و دستور فرمود که سخن بگویم. (۲/ فقره ۲۶۲۰)

- قوای حسی و ذاکره و مخیله و مذکره و عاقله نمی تواند خدا را درک کند. مراد این است که ادراک، امروزه وجودی است. (ج ۲ فقرات ۹۸ - ۹۱)

- آیه «أمنت من فی السماء...» [سوره ملک، آیه ۱۶] به لسان قوم نازل شده است. همچنین است: «الرحمن علی العرش استوی» [سوره طه، آیه ۲۰] و آیه «الله یستهزی بهم». [سوره بقره، آیه ۱۴] (۲/ ۷۰ و ۷۱)

- بسا حدیث صحیحی که مکاشف می فهمد صحیح است؛ ولی سند درستی ندارد و چه بسا احادیثی که سند درست دارند، اما مکاشف می فهمد صحیح نیست. (۲/ ۹ - ۳۵۸)

- ایمان تقلیدی مربوط به عوام است، ایمان علمی مربوط به اصحاب دلیل، ایمان عینی مربوط به اصحاب مشاهده، ایمان حق مربوط به عارفان، ایمان حقیقت مربوط به واقفان، ایمان حقیقه الحقیقه مربوط به مرسلین اصالتاً و به علماء<sup>۳</sup> وراثتاً. این ایمان اخیر منبج کشف ها می باشد: «و لا سبیل لایضاحها». (۲/ ۲۱۶)

- مکان ها هم تأثیر دارند، مثلاً قلوب در مکه و الاثرو کامل تراست. (۲/ ۱۲۰) خانه بایزید باقی ماند و بیت الابرار نامیده می شد و همچنین مغاره ابراهیم بن ادهم و زاویه جنید در شونیزیه برکت داشت و آن مربوط به خاک و سنگ و آجر نیست. (۲/ ۱۲۱)

- شهرهای چند طبقه در ارض الحقیقه هست که تا سیزده طبقه هم می رسد. (۲/ ۴۱۰)

- شیخ اوحدالدین کرمانی اسهال سخت داشت. شاگردش گفت: دارو بگیریم. شیخ برای دل او گفت: برو. رفت و خیلی مورد احترام قرار گرفت و دارو را تهیه کرد و برگشت. شیخ گفت: من نیازی به این دوا ندارم و آن خود من بودم که در لباس مبدل از تو استقبال کردم! (۲/ ۲۶۱)

- دریای خاک و کشتی مخصوص آنها (ج ۲/ ۴۰۹) مرکب های ارض حقیقت<sup>۴</sup> بسیار تندرو است، به سرعت نگاه! (۲/ ف ۴۰۹)

۲. شیخ احمد احسانی هم ادعا داشته که همین طوری می فهمد حدیث صحیح است یا نه!

۳. منظورش علماً به معنی اخص است که وارث معنوی پیغمبران هستند، مثلاً معصومین.

۴. سید کاظم رشتی حرف هایی مشابه این دارد که معلوم است اقتباس از ابن عربی است.

- مجامعت در ارض حقیقت فقط برای لذت است؛ زیرا تولید بچه از طریق رویش می‌باشد. (۲/ ۲۶۵)

- وقتی به دیده قبول کلی بنگری، نه فقط به دیده امر، درخواهی یافت که مخالف هم مطیع است و کجرو هم منحرف نیست و همگی در حلقه بندگی اند؛ چه بخواهند و چه نخواهند، اما اینکه ابلیس و مسیلمه به بندگی اقرار دارند و دجال ابا دارد، باید دید هر کدام از چه مقامی حرف می‌زنند و چه حقایقی بر آنها ظاهر شد که موجب آن احوال گردیده است. (۲/ ۱۶۸)

- از مشبته آنان که گمراه شدند به واسطه تأویل آیات و اخبار شدند و آن تأویل به جهل محض و کفر صریح منجر شد. (۲/ ۱۰۳)

### گزیده‌ها از جلد سوم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- مرتبه ختم خاص این شرع که دون عیسی است، در زمان ما متولد شد و من با او جمع شدم و علامت ختم را در او مشاهده کردم. (۳ ف ۱۴۵)

- دیدار خضر (۳ ف ۱۴۹)

- پیش از دیدار خضر، خرقه و لباس خرقه را قبول نداشتم و آن را از باب ادب و تخلق می‌پنداشتم. (۳/ ۱۸۶)

- مرادش این است که خضر به او خرقه پوشانیده.

- طریقه ما برده نیست، بلکه می‌خواهیم روشن شود که شخص عارف از کجا اخذ کرد و چه چیز در او تجلی نموده و آیا در سعادت یا شقاوتش مؤثر است؟ (۳ ف ۲۳۷)

- «حال» از طریق معانقه و لمس منتقل می‌شود. (۳ ف ۳۳۹)

- استدراج هم در شراست، هم در خیر؛ مثلاً همان طور که طرف متوجه نیست خدا او را به گناهش گرفته، گاهی هم متوجه نیست که گناهش بخشوده شد و من یکی از اینان را دیدم که همیشه گرفته و اندوهناک بود و در تون کار می‌کرد. او را دلجویی و رام کردم، به حدی که رویش گشاده گشت. (۳ ف ۳۶۸)

- اگر گناهی از اولیا سرزند، به حکم تقدیر بر آنها جاری شده، نه اینکه جسارت ورزیده‌اند. (۳ ف ۲۳۵)

- اولیایی هستند که بدون سواد قرآن می‌خوانند و تفسیر می‌کنند. (۳/ ۳۸۴)

- انسان دائماً دانشش افزوده می‌شود از طریق داده‌های حواس و گردش احوال و خواطر نفسانی، اما

۵. منظورش مواردی است که بر عرفای بزرگ انتقاد می‌کند. خصوصاً در التجلیات الالهیه.  
۶. عین القضاة می‌گوید که شیخ برکه حمد و سوره اش را نزد من درست می‌کرد، اما تفسیر قرآن می‌گفت.

سودی در این علوم نیست؛ چرا که در معرض شک و ظن و جهل و غفلت و نسیان است. (۳ / ۸۳)  
- معجزه نبی به دلیل «همت» نبی نیست، بلکه کار خداست که بردست نبی جاری می شود. (لذا  
موسی از عصا که تبدیل به مار شد می ترسد)، اما کرامت اولیا از علم و همت خودشان است. (۳ /  
۴۲۵)

- تعظیم سادات و بحث در آیه تطهیر و حدیث «سلمان منا اهل البیت» (۳ ص ۲۳۰ به بعد)  
- اصل بر فقر است (یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله)، اما سریان (اراده) الوهیت در اسباب را هم نباید  
از نظر دور داشت یا به عبارت دیگر «تجلیات الحق خلف حجاب الاسباب». (۳ / ۳۸۷ - ۳۸۸)  
- خطای آدم و سپس توبه و ذلت و انکار و شرمندگی که به او دست داد، باعث ترقی او شد. هر کس  
این حالت را نداشته باشد، پیرو طریقه آدم نیست. (۳ / ۴۰۷)  
- یکی از اصحاب یونس تا زمان ما باقی مانده بود و من اثر قدم او را در کنار دریا دیدم؛ سه و جب و  
نصف و جب و ربع و جب به و جب من بود. رفیق من ابو عبد الله طنجی او را دیده بود و سخنی از او را  
برای من نقل کرد که به سال ۵۸۵ ق واقعه ای در ۵۸۶ ق را پیش بینی کرده بود.

### گزیده ها از جلد چهارم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- کسانی را که دیدم با جن رابطه برقرار کردند و من توانستم بین آنها و جن حائل شوم. (ج ۴ ف ۳۱۵)  
- شیخ ما می گریست و شاگردان هم می گریستند. شیخ گفت شما نگریید که گریه ما گریه فرح است.  
(ج ۴ ف ۶۰۸)  
- حکم به ظن است حتی در خبر متواتر؛ زیرا در خبر متواتر نهایت این است که علم به صحت لفظ  
پیدا می شود و معنی استنباطی است. (۴ / ۴۷۷)  
- جهنم به شکل گاو میش است و خوراک اهل جهنم طحال است؛ زیرا چرک بدن هم در طحال جمع  
می شود. (۴ / ۴۷۶)  
- اصطلاحات هر علم را استاد باید یاد بدهد؛ الا اصطلاحات صوفیه که مرید صادق خود می فهمد.<sup>۷</sup>  
(۴ / ۲۷۶)

- از جمله گذرگاه های شیطان اینهاست: غلور در حب اهل بیت / وضع حدیث / شتاب در کسب  
ریاست / و بالاخره شیطان از جهت میل و هوس که بر انسان غالب است، بر او وارد می شود و  
سعادت در ایمان است، نه در علم تنها. (۴ / ص ۲۸۰ به بعد)

- دولت دنیوی به علمای رسمی و ظاهری می رسد [یعنی علمای حقیقی و باطنی اصراری در رسیدن

۷. این جمله تعارفی بیش نیست. پس چرا خود این عربی شرح مصطلحات نوشته است؟!

به مدارج دنیوی ندارند]. (۲۷۰ / ۴)

- اهل الله بین خود ساده حرف می‌زنند و در حضور غیر با اصطلاح. (۲۷۵ / ۴)

- سبب حیرت، تعارض عقل است با آنچه نقل خبر می‌دهد. (۲۱۵ / ۴ و ۲۱۶)

- فرق است میان حیرت اهل نظر و حیرت اهل الله. (۲۱۸ / ۴)

- کلمات تعجب و فرح و ضحک و تیشبش درباره خدا مضمون احادیث است. اگر عرفا گفته بودند

تکفیر می‌شدند. (۲۲۵ / ۴)

- اینکه می‌گوییم اسماء الله توقیفی است، ردّ بر مدّعی کاذب است و صادق در این میان ضرر

نمی‌کند. (۲۲۵ / ۴)

- شیطان از چهار راه حمله می‌کند: از پشت به معطله (چون هیچ نمی‌بینند)، از روبه‌رو به مشرک

(چون چیزی نمی‌بیند)، از راست به متکبر (که صفات برجسته‌ای را در خود می‌یابد) و از چپ به

منافق که از همه تاریک بین تر است. (۲۹۴ / ۴)

- صور همان خیال است و آن شبیه شاخی است که یک طرفش فراخ است و یک طرفش تنگ.

تنگی اش این است که جز با صورت درک نمی‌کند و فراخی اش در آن است که گنجایش همه چیز

را دارد. (۴۱۸ / ۴ و ۴۱۶)

- مثل انسان که با نفس زنده و مرده است، ابلیس است که از نار است و با نار تعدیب می‌شود. (۴ / ۴)

(۵۳۹)

### گزیده‌ها از جلد پنجم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- العبد مجبور فی اختیاره. (۳۷۲ / ۵)

اهل کلام و لفاظان در حقیقت دین را استهزاء می‌کنند و بندگان خدا را خوار می‌شمردند و کسی را در

پایه خود نمی‌دانند از این جهت خدا خوارشان کرد و محتاج در ملوک ساخت. (۱۰۴ / ۵)

- بعضی علما منی را پاک و بعضی نجس دانسته‌اند. (۴۸۰ / ۵)

- به فتوای ابن عربی التقاء ختائین بدول انزال موجب غسل نیست.

- علم پاک است و پاک‌کننده؛ خصوصاً علمی که نتیجه تقوا باشد. (۳۶۱ / ۵)

### گزیده از جلد ششم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- فقهای زمان ما راه گشاده شرع را برای مردم سنگچین و تنگ کرده‌اند و این از بزرگ‌ترین

۸. همان بوق اسرافیل است که با دمیدن در آن مردگان به حرکت درمی‌آیند.

۹. گرچه از اضطرار معذوری / لیک در اختیار مجبوری.



مصیبت هاست. از کوربینی به خدا پناه می‌بریم. (۶ / ف ۶۱)

- سراسر جلد ششم تأویلات باطنی از احکام نماز است. ابن عربی ضمن آنکه فقیه است و خود صاحب نظر و صاحب فتوی است، اما به لحاظ عرفانی و اخلاقی تأویلاتی دارد که به نظر عثمان یحیی قابل مقایسه با تأویلات اسماعیلی است.

### گزیده از جلد هفتم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- اگر پیغمبر ما از تفضیل پیغمبران بر یکدیگر منع نکرده بود، درجانشان را بیان می‌کردم. (۷ / ۷۹۵)
- فخر رازی در زندان خواست متوسل شود، شبهه‌های مبحث خدا در نظرش آمد موفق نشد. آخر به خدای عامه توسل جست و همان موجب نجاتش گردید. این است سرّ قبله. (۷ / ۳۷۷)
- بایزید یک شب از نور چراغ متأذی بود. معلوم شد از کسی فاروره به امانت گرفته‌اند که یک بار در چراغ روغن بریزند، اما دوبار ریخته‌اند. حلیت طلبید، آن وحشت رفع شد. (۷ / ۱۹۵)
- آهوئی ابومدین<sup>۱۰</sup> را شیر می‌داد. روزی بنا بر عادت از آهو شیر می‌طلبید، آهورم کرد. معلوم شد ابومدین دیناری در جیب دارد. آن را انداخت، آهورام شد و شیر داد. (۷ / ۱۹۷)
- هیچ آیه‌ای در قرآن نیست که شانزده بار ظاهر و مضمّن نام خدا در آن آمده باشد، جز آیه الکرسی. (۷ / ۹۰)

- فرض عبودیت اضطرار است و مذهب عبودیت اختیار. (۷ / ۲۴۶)

### نکات گزیده از جلد هشتم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- زنان محل تکوین و آفرینش‌اند؛ لذا به آفرینشگر نزدیک‌ترند. (۸ / ۸۹)
- به عقاید شخص خود در این کتاب تصریح نکردم، اما (اگر دقت شود) در جای جای این کتاب به طور پراکنده، اما هر بار به طور کامل نظرات خود را آشکار کرده‌ام و هر کس روزیش باشد، آن را تشخیص می‌دهد؛ زیرا قول صدق و علم حق است و هدی بالاتراز آن نیست. او دور را به نزدیک پایین را به بالا می‌رساند و می‌پیوندد. (۸ / ۴۳)
- حق حد نمی‌پذیرد. پس چیزی از حق و حق از چیزی محجوب نیست و آنجا که فجار را محجوب از پروردگار وصف کرده، محجوب از نسبتی است که امید داشته‌اند. (۸ / ۹۰)
- صلوات ملائکه بر خدا مثل نماز ماست بر جنازه میت. (۸ / ۱۴۰)
- اینکه ملائکه دعا می‌کنند که خدایا ممسکان را ده تلف، یعنی توفیق ایثار و احسان به ایشان بده! (۸ / ۳۷۰)

۱۰. از عرفای مغرب است که بسیار مورد توجه ابن عربی بوده است.

- ذَهَبُ علم است و وَرِقُ عمل. پس زکات هم در علم و هم در عمل واجب است. (۳۳۳ / ۸)

- آل محمد یعنی مؤمنان به او و این از واقعات خاص ماست. (۱۸۰ / ۸)

### گزیده از جلد نهم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- خدا مرا گاهی در صورت ملائکه قرار داد، اما در صورت هیچ حیوانی جز انسان قرار نداد. (۸۳ / ۹)

- به ابومدین گفتند: چرا کار نمی‌کنی گفت: مهمان تا سه روز کار نمی‌کند و هر روز خدا هزار سال است. (۴۱۷ / ۹)

- به شیطان خطاب آمد که چرا سجده نکردی؟ گفت: پروردگار را اگر تو خواستار سجده من بودی حتماً سجده می‌کردم. خطاب آمد: از کجا دانستی که من از تو سجده نمی‌خواهم؟ گفت: بعد از آنکه مخالفت کردم و سرکشی نمودم، خطاب آمد که به سبب همین مخالفت مسئولی. (۲۲۷ / ۹)

- بدان که گروهی از بندگان خدا هستند که بر معصیتی که به دست آنها واقع خواهد شد واقف شده‌اند. از شدت حیا به سوی آن می‌شتابند تا هر چه زودتر توبه و استغفار کنند. (۲۲۸ / ۹)

- باید در دنیا و در آخرت نسبت به مردم گذشت کرد. (۲۰۴ / ۹)

- موقف ابوبکر: ما رأیت شیئاً الا رأیت الله قبله

- موقف عثمان: ما رأیت شیئاً الا رأیت الله بعده (۱۲۸ / ۹)

### گزیده از جلد دهم فتوحات مکیه تصحیح عثمان یحیی

- روزی به کعبه می‌نگریستم، کعبه از من درخواست "طواف کرد و زمزم از من خواست که با آبش تماس بگیرم. (۱۰ / ۲۹۰ و ۲۹۱)

- کسانی را دیدم که عناصر را می‌پرستیدند. رمی جمرات نفی عبادت عناصر است. (۴۳۴ / ۱۰)

- تحقق به مقام ابراهیم حین وقوف در مقام ابراهیم (ج ۱۰ فقرات ۴۵۹ تا ۴۶۱)

- گروهی گفته‌اند: العلم بالله عین الجهل به، چنان‌که در آیه قرآن آمده است: «ذلک مبلغهم من العلم». [سوره نجم، آیه ۳] (۴۸۴ / ۱۰)

- سرعت جریان امر «کن» مثل شعله جواله است که دایره نیست، اما دایره می‌نماید. (۳۰۷ / ۱۰)

- مرد به منزله قلم است و زن به منزله لوح. (۱۵۴ / ۱۰)

- چون ابلیس گوشه‌ای از معرفت را دارد، ملائکه او را به کلی از عرفات نمی‌رانند. (۴۱۸ / ۱۰)

- ابلیس تحت حکم اسم «البعید» است و اهل عرفه تحت حکم اسم «القرب» است. پس ابلیس را می‌رانند.